

اسلام

ودنیای معاصر

فصلنامه اسلام و دنیای معاصر

سال اول، شماره چهارم (پیاپی ۴)، بهار ۱۴۰۳

فهرست چکیده‌های فارسی

- ۱..... تأملاتی پیرامون کتاب *تهافت الفلاسفة* اثر ابو حامد محمد غزالی
طاهر اولوچ*، شاهین فیلیز
- ۲..... منابع معرفت دینی در امامیه
حمیدرضا شریعتمداری
- ۳..... شفقت به خلق، اصلی صوفیانه در محافظت از محیط زیست (جاندران)
وحید محمودی
- ۴..... جایگاه انسان در الهیات زیست‌محیطی اسلام: «خلیفه یا عبد»
مسعود شاورانی
- ۵..... ظرفیت نهاد وقف در تحقق ابعاد معناگرایانه عدالت اقتصادی و زمینه‌های افزایش آن
محمود مقدم
- ۶..... وقف و امنیت اجتماعی: دولت و وقف به عنوان نهاد جامعه مدنی؛ تأثیرگذاری‌ها و تأثیرپذیری‌های متقابل در مقوله امنیت
رضا سیمبر

تأملاتی پیرامون کتاب تهافت الفلاسفة اثر ابو حامد محمد غزالی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۴

ظاهر اولوچ^۱

شاهین فیلیز^۲

چکیده

این مقاله نسخه‌ای بسط‌یافته از مقدمه تصحیح انتقادی جدید تهافت الفلاسفة و ترجمه ترکی آن است، که به بررسی مجدد این کتاب فراتر از کارکرد آن صرفاً به عنوان نقدی بر اندیشه فلسفی می‌پردازد. مطالعه حاضر با قرار دادن اثر غزالی در بستر گسترده‌تر مواجهات فکری میان سنت‌های درونی جهان اسلام و ایده‌های فلسفی بیگانه، بر ماهیت چندلایه کاوش‌های عقلانی او تأکید می‌ورزد. این مقاله با تمرکز بر نقدهای غزالی نسبت به فارابی و ابن‌سینا و تحلیل راهبردهای جدلی پیچیده او، نقاط قوت و همچنین ناسازگاری‌های استدلال‌های وی را آشکار می‌سازد. برای نمونه، هرچند غزالی پیروان فلسفه یونانی در جهان اسلام را به رها کردن باورهای اصیل اسلامی متهم می‌کند، اتکای وی بر ابزارها و اصطلاحات فلسفی نشان از آشنایی عمیق او با همان نظامی دارد که قصد تخریب آن را داشت. علاوه بر این، بخشی از مقاله به بررسی تأثیر ماندگار تهافت الفلاسفة بر تاریخ اندیشه اسلامی اختصاص داده شده است. با تحلیل واکنش‌های متنوع به نقدهای غزالی - چنان‌که در آثار ابن‌رشد، فخر رازی و سهروردی دیده می‌شود - مشخص می‌گردد که چگونه این اثر به تأمل فلسفی، پالایش روش‌شناختی و شکل‌گیری چارچوب‌های فکری جدید در اندیشه اسلامی کمک کرده است. همه اینها حاکی از آن است که میراث غزالی را نباید صرفاً در نقد سنت فلسفی جستجو کرد، بلکه عمده میراث او نهفته در تأثیر عمیقی است که بر مسیر اندیشه پس از خود به جای گذاشته است.

کلیدواژه‌ها

فلسفه اسلامی، الهیات، عقل، وحی، تاریخ اندیشه

۱. استاد دانشکده الهیات، دانشگاه نجم الدین اربکان، قونیه، ترکیه. (نویسنده مسئول) (tuluc@erbakan.edu.tr)

۲. استاد دانشکده ادبیات، دانشگاه آکدنیز، آنتالیا، ترکیه. (sfiliz@akdeniz.edu.tr)

منابع معرفت دینی در امامیه

حمیدرضا شریعتمداری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۵

چکیده

آغاز تفکر و معرفت با رجوع و ارجاع به منابع معرفت‌زا شروع می‌شود. در این مسیر، شاید مهم‌ترین کار تعیین و سنجش منابع یا دلایل قابل استناد است. آنگاه که تفکر و معرفت در چارچوب یک دین آسمانی صورت می‌گیرد و مسئله پژوهشگر اسناد و استناد دیدگاهی به یک دین می‌شود، کار سخت‌تر می‌شود، زیرا در استنادات هم باید جانب مشروعیت علمی و اخلاقی را رعایت کرد، هم جانب دینی و پرواهایی که باید در اسناد موضعی به شارع مقدس ملحوظ باشد. موضوع منابع معرفت اسلامی از موضوعات دیرپا و درعین حال بحث‌برانگیز در جهان اسلام بوده، اما دغدغه این نوشتار، فراتر از پی‌جویی منابع معتمد معرفت دینی در تفکر شیعی، نشان دادن همراهی و همسخنی کلی و اجمالی تشیع اثنا عشری در منابع معرفت دینی با عموم مسلمانان است تا در کنار اشتراک در اصول و امهات اعتقادی و عملی میان مسلمانان، برگ دیگری به این کتاب اشتراکات، آن هم در زمینه منبع و نقطه عزیمت در تفکر و استنباط، افزوده شود. در خصوص تفاسیل و تطبیق‌های این منابع اختلافاتی بین شیعه و اهل سنت وجود دارد که گاهی مهم و قابل توجه هستند، ولی آسیبی به این بنیان مرصوص و مشترک نمی‌زند، همچنان که این اختلافات را در درون هر کدام از مذاهب اسلامی نیز می‌توان نشان داد. در تشیع، همچون اهل سنت در باب منابع چهارگانه استنباط فقهی و کلامی، یعنی کتاب، سنت اجماع و عقل (یا قیاس)، همداستانی وجود دارد، هرچند در خصوص موضوعاتی چون حجیت ظواهر قرآن یا مرجعیت نهایی از میان کتاب و سنت یا نوع نگاه به خبر واحد و اجماع، اختلاف‌نظرهایی وجود دارد که در این مکتوب بدان‌ها پرداخته‌ایم. خاستگاه اصلی این اختلاف‌ها را باید در رویکرد دین‌پژوه جست که عقل‌گراست یا نص‌گرا و در قلمرو نص‌گرایی، آیا اخباری‌مسلك است یا خیر.

کلیدواژه‌ها

معرفت دینی، امامیه، قرآن، سنت، عقل، اجماع

۱. دانشیار، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. (shariatm46@gmail.com)

شفقت به خلق، اصلی صوفیانه در محافظت از محیط زیست (جانداران)

وحید محمودی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹

چکیده

در این پژوهش به چستی شفقت به خلق در تصوف و تأثیر آن بر محافظت از محیط زیست به ویژه جانداران پرداخته شده است. شفقت در لغت به معنای رحمت، رقت و خوف از رسیدن امری مکروه به کسی از روی مهربانی و در اصطلاح صوفیان عبارت از رقت قلب نسبت به غیر با اراده خیر برای همه خلقت خداوند و تحمل مشقت آنها به منظور رفاه و بهزیستی شان است. شفقت به عنوان یکی از اصول اخلاقی و سلوکی در منابع صوفیه بسیار مورد تأکید قرار گرفته است، حتی از آن به اخلاق انبیا و اولیای الهی تعبیر شده و اساساً دستیابی به مقامات عالیه معنوی جز با شفت به خلق میسر نیست. شفقت در سه‌گانه شریعت، طریقت و حقیقت حضور فعال دارد و دارای تأثیرات معنوی بر سالکان است. انسان با تزکیه نفس از خواهش‌های نفسانی و تحلیه به اخلاق حمیده از خودبینی رها می‌شود و سایر موجودات را همچون وجود خویش می‌بیند. از این رو با شفقتی برآمده از معرفت شهودی و باطنی همه هستی را غرق در وحدت شهود می‌کند و همچون خداوند با عطف و مهربانی با هستی تعامل دارد و از آنان مراقبت می‌کند. این نگاه می‌تواند آگاهی‌بخش جامعه برای تعامل سازنده با محیط پیرامون و نیز بهبود محیط‌های آسیب‌دیده طبیعی و غلبه بر بحران‌های محیط زیستی باشد. در این پژوهش کیفی با رویکرد تحلیل محتوا و با استفاده از روش کلارک و بروان مطالب مرتبط با شفقت به خلق از آثار عرفان اسلامی در دسترس، از قرون ۳ تا ۱۱ هجری قمری، جمع‌آوری، دسته‌بندی و تحلیل شده است.

کلیدواژه‌ها

شفقت، محیط زیست، تصوف، جانداران، بحران محیط زیستی

۱. پژوهشگر دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران. (v.mahmodi66@gmail.com)

جایگاه انسان در الهیات زیست‌محیطی اسلام: «خلیفه یا عبد»

مسعود شاورانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۹

چکیده

برداشت الهیاتی «خلیفه الله» بودن انسان در زمین باور نیرومند و رایجی در میان مسلمانان است. در قرآن کریم واژه «خلیفه» دو بار ذکر شده، ولی اصطلاح «خلیفه الله» به کار نرفته است. بررسی منابع تاریخی حاکی از آن است که این اصطلاح در زمان پیامبر اسلام و اصحاب ایشان نیز مقبولیت و رواج نداشته است. ولی گویا این اصطلاح در دوره خلفای اموی و عباسی، به تدریج، به ویژه در قلمرو، بستر و اندیشه سیاسی-حکومتی، مقبولیت و محبوبیت یافت و سپس از حوزه سیاسی به حوزه‌های تفسیری، حدیثی، عرفانی، کلامی و فلسفی وارد شد. به نظر می‌رسد که نقطه عطف انتقال این اصطلاح از قلمرو سیاست به قلمرو الهیات در قرن سوم هجری به دست طبری، مفسر، فقیه و مورخ بزرگ روی داد که برای اولین بار در تفسیر قرآن خود واژه «خلیفه» در آیه ۳۰ سوره بقره را به معنای جدید «خلیفه الله» تأویل نمود. بعد از طبری، دیدگاه وی را اغلب الهی‌دانان مسلمان پذیرفته و تکرار کردند. بیشترین کاربرد این اصطلاح در حوزه عرفان و تصوف است. عبارت «خلیفه الله»، که محصول «الهیات سیاسی» است، معانی متناقضی نیز دارد؛ زیرا معنای اصلی واژه «خلیفه»، جانشینی فرد حاضر به جای شخص غائب است، اما خداوند پاینده، حاضر، حاکم و کامل توصیف شده در قرآن کریم، غائب نیست که به جانشینی انسان ضعیف و میرا نیاز داشته باشد. از سوی دیگر، در آیات قرآن و روایات نبوی، انسان «عبدالله» توصیف می‌شود. آموزه «عبدالله» که متضمن فروتنی و تواضع است، رابطه بهتری بین انسان و اجزای محیط زیست، تعریف، تبیین و پیشنهاد می‌نماید، که همان اخلاق فروتنی در تعامل با طبیعت است. اما آموزه بسیار انسان‌محور «خلیفه الله» رابطه برتری‌جویی، سیطره و غلبه انسان را بر طبیعت اثبات می‌کند، که به تخریب آن می‌انجامد.

کلیدواژه‌ها

الهیات اسلامی، انسان‌محوری، خلیفه، عبد، محیط زیست

۱. استادیار گروه ادیان و مذاهب، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران. (shavarani@mazaheb.ac.ir)

ظرفیت نهاد وقف در تحقق ابعاد معناگرایانه عدالت اقتصادی و زمینه‌های افزایش آن

محمود مقدم^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴

چکیده

نهاد وقف از گذشته تا کنون کارکردهای متنوع مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و غیره داشته است. در زمینه اقتصادی، کمک‌های اوقاف به اقشار محروم در قالب پرداخت‌های انتقالی، اطعام، تأسیس درمانگاه‌ها و مانند آن به بهبود عدالت اجتماعی یاری رسانده است. این مقاله در تلاش است یک تحلیل عمیق‌تر از ظرفیت نهاد وقف در تحقق عدالت معناگرایانه اقتصادی ارائه دهد. برای این منظور، ابتدا شش جنبه این نوع عدالت شرح داده می‌شود که عبارت‌اند از مدیریت در تخصیص منابع، عدالت در توزیع ثروت‌های طبیعی (یکی از وجوه عدالت در توزیع قبل از تولید)، عدالت در برخورداری از فرصت‌های اولیه، عدالت در توزیع درآمدها، عدالت در برآورده شدن نیازهای اساسی انسان، و عدالت بین‌نسلی. سپس ظرفیت بالقوه نهاد وقف در محقق کردن این ابعاد سنجدیده خواهد شد. پژوهش حاضر نشان می‌دهد وقف یک ابزار عدالت‌گستر است و به جز در زمینه توزیع ثروت‌های طبیعی، که از شؤن حاکمیت است، سایر جنبه‌های عدالت را برآورده می‌کند. همچنین در صورتی که به لحاظ فقهی و حقوقی برای حل مشکلات آن، که چندان زیاد نیست، چاره‌اندیشی شود، این ظرفیت قابل افزایش است. به علاوه، ترکیب نهاد وقف با نهادها و ابزارهای مالی به ویژه در چارچوب اسلامی، مانند اعتبارات خرد، Securitization، وام قرض‌الحسنه و همچنین ابتکاراتی مانند وقف پول و وقف سهام، هم باعث عمومیت یافتن و توسعه نهاد وقف می‌شود و هم خدمات آن به موقوف علیهم را توسعه می‌دهد. این توسعه باعث افزایش کارایی ظرفیت این نهاد در توسعه و گسترش عدالت خواهد شد.

کلیدواژه‌ها

وقف، عدالت معناگرایانه، عدالت تخصیصی، عدالت توزیعی، عدالت بین نسلی

۱. استادیار گروه معارف اهل بیت (ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (v.moghadam@ahl.ui.ac.ir)

وقف و امنیت اجتماعی: دولت و وقف به عنوان نهاد جامعه مدنی؛ تأثیرگذاری‌ها و تأثیرپذیری‌های متقابل در مقوله امنیت

رضا سیمبر^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵

چکیده

جامعه مدنی مجموعه‌ای از نهادهاست که هر یک از این نهادها مستقلاً می‌تواند در امنیت اجتماعی تأثیر مستقیم داشته باشد. نهاد وقف در جامعه مدنی اسلامی نیز در قدرت و امنیت اجتماعی و اقتصادی تأثیر مستقیم دارد. وقف عبارت است از حبس عین و تسبیل منفعت به طوری که بر اثر وقف جلوی نقل و انتقال اموال گرفته می‌شود و منافع آن در خدمت عموم، از جمله امور اجتماعی و رفاهی، قرار می‌گیرد. از طرفی اقتصاد اسلامی بر اساس اعتدال است، به طوری که آزادی بی‌حد و حصر برای مالکیت فردی قائل نیست، و از طرف دیگر مبتنی بر مالکیت عمومی به طور مطلق هم نیست. زیرا در هر دو صورت امنیت اجتماعی و اقتصادی جامعه متزلزل می‌شود. در این مقاله تأثیر مستقیم نهاد وقف در ایجاد و حفظ امنیت اجتماعی به عنوان نهاد مستقل مورد بحث قرار می‌گیرد. ایده اصلی این است که اگر وقف به خوبی توسط دولت و نهادهای جامعه مدنی مدیریت شود، می‌تواند عاملی تأمین‌کننده در عدالت اجتماعی، برابری فرصت‌ها، شهروندی فعال و نهایتاً امنیت در سه سطح مختلف فردی، ملی و بین‌المللی شود. تحقق این موضوع در خلأ واقع نمی‌شود. برای همین، اگر نهاد وقف در ساختار انحصارگرانه دولت محبوس شود و دولت آن را به عنوان عضوی انحصاری از ترکیب خود ببیند، این پدیده به بزرگ شدن هر چه بیشتر دولت منتهی می‌شود و نهایتاً حتی می‌تواند به مقوله‌ای ضد امنیت بدل گردد. بنابراین، مقصود مقاله حاضر این است که نشان دهد وقف به عنوان یک نهاد جامعه مدنی است که دولت می‌تواند با امر نظارت و نه تصدی‌گری از آن در راستای تحقق سطوح امنیت استفاده کند، و نهادهای مدنی نیز از آن به عنوان عامل استقلال و نظارت بر نهادهای قدرت بهره ببرند. نهاد وقف با نقش‌آفرینی در ایده‌های مربوط به عدالت اجتماعی و برابری فرصت‌ها یکی از راهکارهای مؤثر در تأمین امنیت اجتماعی محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها

نهاد وقف، جامعه مدنی، عدالت، امنیت اجتماعی، دولت

۱. استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. (simbar@guilan.ac.ir)